

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

«کنفرانس ملی کار»

مجمعی برای عوام فریبی و توجیه تشدید بهره‌کشی

هدفهای سیاست توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران است. و در این زمینه از کنفرانس خواست: «با ارائه راه‌های مناسب و منطقی، مزد و بهره‌وری کار را بیش از گذشته بهم نزدیک و مرتبط سازد. تا کارگر دلسوزی بیشتر - انضباط بیشتر و کار آلی بیشتر در افزایش تولید و بهبود کیفی آن نشان دهد. همین اظهارات شاه در باره «انضباط بیشتر» «دلسوزی بیشتر» و «کار آلی بیشتر» هدف اصلی کنفرانس را که تشدید استثمار کارگران است بخوبی نشان میدهد.

سخنان نخست وزیر و وزیر کار نیز امسال حاکی از آن بود که صنایع ایران بادشوارهایی چلی روبروست. بطوریکه دیگر نمیتوان در باره آنها سکوت کرد. پروژه آمارهایی که در زمینه‌های مختلف در کنفرانس مطرح گردید نشان داد که چشم انداز رشد صنایع ایران تیره و تار است. این اعتراضات پس از آنست دنباله در صفحه ۲

معادن مطالبی میگوید و آنگاه طی سه روز دیگر شرکت کنندگان سخنرانیهایی میکنند که معمولاً متضمن ستایش ازهربره‌ی «خرمندان» شاه است. کمیسیونهایی هم برای بررسی موضوعات اصلی کنفرانس تشکیل میدهند و سرانجام قطعنامه طومارمانندی تنظیم میکنند که مواد اصلی آن در پیام‌شاه معین شده است. قطعنامه‌های کنفرانسها جنبه توصیه دارد و اجرای آنها برای هیچ ارگانی الزامی نیست.

مسئله تشدید استثمار

در کنفرانس «نهم» که اسامی از ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت برگزار شد بطور عمده بر روی آنچه که در زمانهای اخیر «ضایعات نیروی انسانی کار» مینامند و با گرایش رژیم به تشدید بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان مشخص میگردد تکیه شده بود. شاه در پیام خود تأکید کرد: «افزایش بهره‌وری از

از نه سال پیش» در اردیبهشت ماه مجلسی بنام «کنفرانس ملی کار» تشکیل میشود که در آن گروهی از دولتیان و صاحبان صنایع و تنی چند از نمایندگان سازمان دولتی کارگران گرد هم می‌آیند تا باصطلاح خود «تنگناهای کار» را مورد بحث قرار دهند. این کنفرانس همیشه با یک پیام از جانب شاه (که یکی از فریبکاران آنرا میخواند) آغاز میشود سپس نخست وزیر، وزیر کار و رئیس اطاق صنایع و

نتیجه زیانبخش توطئه امپریالیسم و عمال او علیه اوپک

نفت) به ده در صد بالا برود و در مقابل یازده کشور اوپک از افزایش پنج درصد دیگر در ماه ژوئیه صرف نظر نمایند. زکی یعنی جاسوس سیا، عامل کارتهای نفت و وزیر نفت کشور سوئدی حتی این پیشنهاد را هم رد کرد. باید گفت از این بالا تر نمیتوان به نفع خلق خود و دیگر خلقها خیانت کرد! بنیسم در این پنج ماه که امپریالیسم و عوامش بتوطئه علیه اکثریت قاطع اوپک از هر جهت ادامه دادند چه حوادثی رخ داد و به این سؤال پاسخ دهیم که اگر این یازده کشور بر سر تصمیم خود متحداً میایستادند چه فاجعه ای رخ میداد؟

سرانجام توطئه امپریالیسم و کارتهای نفت ی عربستان سوئدی و سازشکاران درون اوپک علیه یازده کشور عضو که طبق آن میبایست بهای آغاز ژوئیه ۱۹۷۷ پنج در صد افزایش یابد بدانجا کشانده که این کشورها از اجرای تصمیم هم پوشی کنند. در این باره روزنامه نیمه رسمی «ایترناشئل هرالد تریبون» در ۱۴ ماه مه در مقاله خود زیر عنوان «اوپک اعلام داشته که بهای نفت را در اول ژوئیه پس گرفته است» یو تصمیم یازده کشور اوپک را به مثابه پیروزی «سوئدی در حرون اوپک منتشر کرد. این خبر منابع دیگر نیز تأیید گردید.

چنانکه میدانیم یازده کشور عضو اوپک در پایتخت قطر در نیمه ماه دسامبر ۱۹۷۶ باتوجه وسیع بهای صادرات کشور های بزرگ صنعتی نفت (ست کم ۳۵ درصد) و پائین آمدن خرید دلار، ثابت ماندن بهای نفت در مدتی سهیم گرفتند برای ششماه یعنی از اول ژانویه تا آغاز ژوئیه همین سال ده درصد و از آن اول ژوئیه پنج درصد دیگر بهای نفت یترتیبند. کوچک از زبان حاصل از عدم توازن میان بهای واردات از کشور های بزرگ خریدار نفت را نمایند. در این اجلاسبه ایران که همواره با سوئدی بعنوان بزرگترین صادر کننده گاز دیگر کشور های (اوپک) را زیر فشار و تنگنا ول «اعتدال» و «میان روی» وامیباشند (درعین به بخاطر جلوگیری از تزلزل اقتصاد بیمارغرب» «اعتدال» نقش ترمز کننده خود را در برابر ای عادلانه کشورهایمانند عراق، لیبی و الجزیره اهان افزایش حتی تا ۳۵ درصد بودند. ایفا (ند) بعلمت نیاز فراوان نیول برای خرید اسلحه و انجام به خود در قبال امپریالیستها، با عربستان سوئدی شاه خلیج فارس است این بار همگامی نکرد

را در موضعی مناسب تر از او در دولت اوپک عربستان سوئدی و اخوی کوچکش امارات عربی در اجلاسبه دوحه ابتدا با هر گونه افزایش ت مخالفت کردند و سپس برای جلوگیری از طلاق خود (و نه بخاطر حفظ وحدت اوپک) و داغ تنگ تازه ای که در میان خلقهای منطقه بر پیشانی آنها زده میشد (گرچه بقدر کافی هستند) بهای نفت خود را فقط پنج در صد بالا بردند. در همین حال عربستان سوئدی بعنوان بزرگترین کننده نفت جهان، کشورهای دیگر را یازدیاد قیمت خود (تا ۴۰ درصد) و سرازیر کردن آن رواتر یبازار های جهان تهدید کرد. پس از (دوحه) نماینده قطر که ریاست اجلاسبه را داشت براه افتاد تا با «میانجیگری» یازده کشور را وادار به «تعدیل» در «تعدیل» کند. افزایش ۱۵ در صد بخودی خود تعدیل بزرگی بود - اینکه ابتدا با ایران که پس از کشور سوئدی ترین صادر کننده نفت است و بهمین دلیل اوپک میخواند نقش قاطعی داشته باشد، وارد شد سپس از سایر کشور ها دیدار کرد و با نهاد «تعدیلی» بهرستان سوئدی رفت. خلاصه این بود که عربستان سوئدی نیز مانند دیگر های عضو اوپک بهای نفت خود را از همان یوزه ۱۹۷۷ (برای حفظ وحدت اوپک و بهای

اطلاعیه مشترک حزب توده ایران و حزب سوسیالیست کارگری مجارستان



روز دوشنبه ۳۱ مه ۱۹۷۷ ملاقاتی میان یانوش کاکار دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام گرفت. در این ملاقات که در محیط صمیمانه و رقتاناه بود وقوع پیوست در باره فعالیت و روابط دو حزب و همچنین درباره مسائل کنونی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری تبادل نظر بعمل آمد. در این ملاقات آندراش گش دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نیز حضور داشت.

بعناصبت شخصین سالگرد انقلاب کبیر اکتبر

ارزیابی ها و گواهی ها

چنانکه من در گذشته دیده ام، اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ایران غایب شود، برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است. (دکتر محمد مصدق)

«انقلاب روسیه روح افسرده آزادیخواهان ایران را جوان و زنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامعه نگارندگی حاضر ساختم و تشکیلات سیاسیة دموکراتها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود.» (ملک الشعراء بهار، دیبانه نوبهار سال ۱۲، خوره ۴)



به ملت ایران نموده‌است. از جمله لنین قرار داد های قبل و بعد از ۱۹۰۷ را که باستقلال و حاکمیت دولت ایران صلحه وارد می‌آورد، باطل کرد.» (دکتر امیر علائی وزیر پیشین - پیام نو شماره ۴ سال ۱۳۲۵ صفحات ۳ - ۴)

ملت ایران خاطره لنین و دوستی کشور صلح دوست او را عزیز می‌شمارد. زیرا فراموش نمیکند که لنین و کشور شوروی از همان آغاز تاریخ خود دست دوستی به طرف ملت ایران دراز کردند و زنجیر های اسارتی که تزارها بگرفتند ما گذشته بودند در هم شکسته. عهد نامه های ظالمانه ای را که بر این ملت تحمیل شده بود و پیمان شوم ۱۹۰۷ را که جهانخواران آنروز بزبان ما بسته بودند، پاره کردند. آری مردم ایران دوستی شوروی و ایران را عزیز می‌شمارند.» (دکتر علی اکبر فیاض استاد دانشگاه پیام نو، شماره ۵ سال ۱۳۳۰)

«ما با دولت بزرگ و پر ثروت و پر جنبشیت و توانائی در سراسر شرق و شمال همسایه ایم و این دولت اتحاد جماهیر شوروی است. ما باید با این همسایه و این دولت عظیم که نژاد های مختلف را با قانونی یکپواخت بهم اتصال داده و آنها را بحرکت تسریع واداشته است آشنا باشیم، دوست باشیم و یکدیگر را بخوبی بشناسیم.» (ملک الشعراء بهار، پیام نو، سال اول شماره ۷، سال ۱۳۳۳، صفحه ۲۸)

«علاقه ایرانیان به لنین از اینجهت است که این مرد بزرگ همواره نسبت به میهن عزیز ما ابراز علاقه کرده و کمکهای فراوانی که در تشدید روابط حسنه بین دو دولت دوست و همسایه مؤثر بوده است

افشاء رژیم ترور و اختناق در مطبوعات جهان

روزنامه «موریتینگ استار» از گارت حزب کمونیست انگلستان اخیراً اطلاع داده است که دوتن از نمایندگان حزب کارگر در مجلس یعنی «استن نیونس» و «فلچر» به سفارت ایران در لندن مراجعه کرده و به تقاض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده‌اند. آنها در باره اقدامات ساواک و اعتراف شاه به فعالیت ساواک در انگلستان نگرانی خود را ابراز داشته‌اند. دو نماینده حزب کارگر به این امر که دارندگان ایندولوژی اشتراکی در ایران بیای میز محاکمه کشیده میشوند، حق انتخاب آزادگیل مدافع را ندارند، شکنجه میشوند و هیچ ناظر خارجی حق شرکت در دادگاه آنها را ندارد» اعتراض نموده‌اند.

«استن نیونس» نماینده حزب کارگر در پارلمان انگلستان از جمله نویسندگان جزوهای است که اخیراً با نام «ایران: امپراتوری ستم شاه» از طرف کمیته ضد اختناق ایران انتشار یافته است. در این جزوه گفته میشود پس از کودتای ۱۹۵۳ علیه مصدق، در دنباله در صفحه ۲

درگذشت



با اندوه فراوان از درگذشت رفیق حزبی ما بایرام محمد مدرس که در اثر سکته قلبی در سن ۶۲ سالگی در شهر عشق آباد روی داد اطلاع یافتیم. رفیق فقید در سال ۱۳۱۸ خ در دوران رضا شاه زندانی شد. پس از تشکیل حزب توده ایران، جزو نخستین رفقای ترکمن بود که به حزب ما پیوست. وی در بندشاه مسئول کمیته حزبی این شهر بوده است. در دوران مهاجرت پادامه تحصیل و نيل بدرجه «نامزد علوم فیلولوژیک» در رشته زبان و ادبیات ترکمن تحقیق میکرد و از مترجمان ریاضیات عمر خیام از فارسی به ترکمنی است. خاطره رفیق مدرس در قلوب همزمان و دوستانش پایدار خواهد بود.

نتیجه زبانخش تومله امپریالیسم

اوبک بکارتها وانحصارات نفی امپریالیستی وامپریالیست هاست. عربستان سعودی با ابراز خشونی پیروزمندان از اینکه یازده کشور عضو اوبک از افزایش پنج درصد در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ صرف نظر کرده اند، خواستار کم کردن آن ده درصد افزایشی شد که اکثریت مطلق اعضای اوبک در پنج ماه پیش تصویب کرده اجرا نموده و نفت خود را نیز بفروش رسانند. تازه عربستان سعودی پس از شش ماه قبول کرده است که بهای نفت خود را اینک که دیگر کشورها از پنج درصد صرف نظر کرده اند بده در صد برساند. دولت ایران که تا امروز قبولی خود را در مورد حذف افزایش پنج درصد در صد در ماه ژوئیه رسماً اعلام نکرده و فقط بعضی جراید دولتی غیر «هرالد تریبون» را بدون تفسیر و اعتراض منتشر کرده اند. عمل خود را چگونه توجیه میکند؟ وشاه که مکرراً موضع خود را در اجرای تصمیمات حوجه غیر قابل تغییر ثابت و محکم جلوه میداد چه تغییر بی برنی این عقب نشینی ششماهه دارد؟ گفته میشود که ۱۶ درصد از تولید نفت ایران کم شده است بسیار خوب چه نمانی دارد؟ مگر نه اینستکه شاه مکرر فروش بی ویندبار نفت خام را که ماده غیر قابل تجدیدش است نافرست و تا معقول خواند؟ حالا چه عیبی دارد اگر دست کم شانزده درصد نفتی که برای خرید جنگ افزار و چاقول و غارتگری زالو های داخلی و خارجی مصرف میشد برای مردم ایران بماند؟ مانده تنها مخالف حفظ وحدت فراویک و با هرسازمان دیگری که تقهله مقاومتی در مقابل امپریالیسم باشد نیستیم، بلکه برعکس قویاً چنانچه آن هستیم. اما حفظ وحدت نباید وسیله ای برای توجیه اقدامات ضد ملی و مستعسکی برای پوشاندن نقش تخریبی عوامل امپریالیسم در درون اینگونه سازمانها باشد. ما اینگونه نقشهای تخریبی را افشاء و بر ملا میکنیم. دولت ایران که اقتصاد خود را بر پایه درآمد نفت نهاد، سیاست بطنیکری را در پیش گرفته و تیمت از امپریالیستها و در درجه اول امپریالیسم امریکا رامش اساسی سیاست خود قرار داده، بویژه در آستانه سفر شاه به امریکا، قادر نیست حتی با وجود مشکلات عینی که با آنها روبرو است، راهی جز سازش در پیش بگیرد.

گویا

کنفرانس ملی کار

که معایب عمقی اقتصاد ایران بیشتر از آن برملا شده که بتوان آنها را پوشاند و مطبوعات خارجی «اکنونیست» و «گاردین» در مقالات خاصی مطالب را علنی کرده اند. دومین مسئله دستور کنفرانس کار یعنی مسئله مسکن کارگران نیز در واقع آنچه بزرگترین مسئله کارگران نیز در واقع آنچه بزرگترین نا بسامانیهای اجتماعی روز در ایران و در عین حال کوششی است برای ایجاد توازن در «دستور جلسه» و پارسی است در مقابل تشدید بهره وری کار که محتوی اصلی کنفرانس بود.

آنچه که در قطعنامه کنفرانس در باره «یکسان کردن دستور کارگران در کار های مشابه» ایجاد رابطه منطقی بین افزایش دستمزد و بهره وری (و نه هزینه زندگی) «تقلیل ضایعات در واحد های تولیدی ویر این اساس تجدید نظر اساسی در قانون کار» و بالاخره باز کردن دست کارفرمایان به باز خرید مدت بیمه کارگران و باز نشسته کردن آنان آمده، بطوریکه تقسیم در چارچوب تشدید بیش از پیش جنبه های ضد کارگری سیاست رژیم است که از مدتی پیش دنبال میشود و هدف آن سرکوب جنبش کارگری و ایجاد شرایط مطلوب برای افزایش بهره کشی از کارگران و تقویت بیش از پیش سرمایه داران بزرگ است.

این نکته هم لازم یاد آوری است که در دومین جلسه عمومی باصلاح «کمیسیون شاهنشاهی» که امروز سی و یکم اردیبهشت یعنی تنها چند روز پس از «کنفرانس ملی کار» تشکیل شد، نماینده اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بر قابلیت اجرای طرحهای کاهش ضایعات و افزایش ظرفیت ۸۱۷ واحد صنعتی بخش غیر دولتی سرمایه داری (باصلاح خصوصی) را در صورتی امکان پذیر دانست که ۱۲ مطلب مورد توجه قرار گیرد. از جمله: کمبود کارگر ماهر - کمبود مهارت فنی کارگران - ماده ۳۳ قانون کار - جایجائی سریع کارگران ما بین واحد های تولیدی و نقض مقررات انضباطی کارگاهی. از اینها که برشمریم سه تبارش مستقیماً جنبه خشونت آمیز ضد کارگری دارد. با اتو ماده ۳۳ قانون دست کارفرما در اخراج کارگران «مزاحم» کاملاً باز میشود. جلوگیری از جایجائی کارگران هفتاد و اویست درصد کارگران بیک کارخانه و کارگاه یا دستمزد نازل و غیر واقعی است. بالاخره عبارت نقض مقررات انضباطی کارگاهی خود بقدر کفایت گویاست و منظور جلوگیری از انضباطات و هرگونه مبارزات کارگری پیشهاد میشود.

مسئله مسکن کارگران

شایان توجه است که در تمام «کنفرانسهای ملی کار» که تاکنون تشکیل شده، مسئله مسکن کارگران همواره یکی از موضوعات مورد گفتگو بوده است. حسین قربانی نسب، رئیس «سازمان کارگران ایران» طی سخنرانی خود در کنفرانس در این باره چنین گفت: نزدیک به ده سال است در کنفرانسهای ملی کار صحبت از تأمین مسکن برای کارگران شده و حتی در یکی از کنفرانس ها جناب آقای هوبنا، نخست وزیر زبان بانفاد گشودند و گفتند: «اگر اشخاصی که مسئول این کار هستند از خانه بیرون بیایند و مدتی روز چادر زندگی کنند آنوقت خانه ساخته خواهد شد. سحرهای است کسیکه درد مسکن ندارد فقط ملا لفتی (۱) بدبخت میزند. اگر با این سرعت پیش برویم وامری که صادر شده انجام نخواهد گرفت. من هشدار میدهم کاسه صبر لبریز شده و دیگر انتظار ندارم همکارانی که در سطوح مختلف این مسئولیت ها هستند تحمل نمایند. ما این تحمل را قبول نخواهیم کرد. در زمان انقلاب تحمل خیانت است، هوبنا در کنفرانس کنونی با گفتار و رفتار خویش صحت احکام قلبی خود را بخوبی ثابت کرد و نشان داد که کاخ نشینها و دارندگان انواع قصرها و خانه های وسیع و مجلل در شهر و جنگل و دریا کنار و جزیره کیش و همچنین در امریکا و اروپا - یعنی از شاه و خانواده اش گرفته تا دیگر گردانندگان رژیم و از جمله شخص هوبنا که درد مسکن ندارند عموماً فریبی میکنند و بفکر خانه سازی برای کارگران نیستند نخست وزیر بهنگام گشودن کنفرانس باقیامه جدی گفت: «در موضوع تأمین مسکن برای کارگران دولت همواره با جدیت پیگیر این مسئله بوده است. ولی در آخرین لحظات کنفرانس او که میدانست هرچه در باره تأمین مسکن کارگران گفته اند و میگویند

افشاء رژیم ترور و اختناق

ایران مانند خیلی یکدوران اختناق حکمفرما شد. شاه برای آنکه بر سر کار بماند، دستگاه اختناق وسیعی با کمک موسوا (سازمان امنیت اسرائیل) و سیا تشکیل داد. شخصیتهای سیاسی، کارمندان کشوری، روزنامه نویسان، اعضای اتحادیه های کارگری و بسیاری دیگر را قتل و کربلا کرد. زندانی، شکنجه و اعدام شدند. چهار سال پس از آنکه شاه بقدرت رسید، دستور داد که اعضای دو مجلس، دو حزب سیاسی گوش بفرمان تشکیل دهند. شاه در کتاب خود بنام «مأموریت من برای وطن» نوشته است: «من چون شاه کشور مشروطه هستم دلیلی نمی بینم که مشوق تشکیل احزاب نباشم و مانند یککاتورها تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی نمایم، اما هنگامیکه شاه در سال ۱۹۷۵ خواست حزب واحد دستخیز را تشکیل دهد اعلام کرد که ممکن نبود بهمان ایزدسیون مطیع نقش واگذار کرد. در سال ۱۹۷۵ نودویچ درصد روزنامه ها و مجلات در ایران توقیف شدند، هزاران روشنفکر یزدان افتادند، شکنجه دیدند و برخی از آنها اعدام شدند. روحانیان چون حاضر به مدیحه گوئی از شاه نشدند، بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفتند. در ایران زبان فارسی یگانه زبان مجاز کشوری و آموزش، گفتگو و مکتبه بهر زبان بومی دیگر ممنوع است.

در جزوه «ایران: امپراتوری ستم شاه» گفته میشود: طی چند سال اخیر اعتصابات و مقاومتیهای کارگری پیوسته گسترش مییابد، شماره روشنفکرانی که قادر به تحمل رژیم هستند، دائماً کمتر میشود، اعتراض روحانیان علیه محدودیتهای که در باره آنها انجام میشود، دامنه گسترده تری میگردد و خلفای ایران (از جمله کردها) مبارزه خود علیه رژیم ادامه میدهند.

بمطور توجیه بی اعتدالی رژیم باین خواست حیاتی کارگران است ناگهان بقول روزنامه اطلاعات خود را به لودگی زده و مانند «مش ناسم» در سریال تلویزیونی «فانی جان ناپلئون» دست خود را بالا برده و گفته وعده چرا آقا...! در صاحب صنعتی که بخواهد خانه سازمان بسازد قول میبدهم توتیبی داده شود که زمین در اختیارش گذاشته شود و امیدوارم تا قبل از تشکیل کنفرانس دهم کار حد اقل کلنگ خانه های سازمانی بوسیله صاحبان زمین زده شود. این حرکت نخست وزیر را البته باعث خنده حضار شد ولی او ضمن شوخی حتی الزام ظاهری قطعنامه را زیر پا گذاشت و صاحبان صنایع را، فرساختن و یانساختن خانه های سازمانی صاحب اختیار دانست و سپس تا سال آینده وعده زدن احتمالی چند کلنگ زمین را داد. چه کاری از این ساده تر؟ چند نفر کلاه سیلندری دور هم جمع میشوند و کلنگی در بیابان زمین میزنند و بی کار خود میروند. این کلنگ زدن ها خود نوعی وعده بدون پشتوانه دادن و یکی از حقه های قدیمی برای قریب زحمتکشان است.

این شوخی بیجلی نخست وزیر را اگر در زمینه وضع فم انگیز مسکن کارگران مورد توجه قرار دهیم به بی تفاوتی جنایتکارانه گردانندگان رژیم نسبت به سرنوشت خانواده های کارگری بهتر و بیشتر می خواهیم بود. در کنفرانس آملر های گوناگونی در مورد وضع مسکن کارگران ارائه گردید. از جمله گفته شد: چهل درصد کارگران در خانه های اجاره ای - هشت درصد در خانه های سازمانی - چهار درصد در مسکن بلا عوض و سه و نیم درصد در خانه های رهنی زندگی میکنند. بقیه یعنی حدود ۴۵ درصد خانه های شخصی دارند. اما این «دارندگان» خانه های شخصی اکثراً روستاییانی هستند که در روستا های همجواری مرکز صنعتی، خانه های روستائی از خشت و گل دارند. بهین جهت ۹۲ درصد این صاحب خانه ها، از کمی اتاق و نامناسب بودن تجهیزات خانه ها شکایت دارند.

در بررسی ها همچنین گفته شد که ۹۹ درصد صدی یعنی تقریباً همه کارگران اجاره نشین از گرانی اجاره خانه از بدی محله و کمی تعداد اتاق ناراضی هستند.

در مورد گرانی کرایه خانه «گروه محققان» به کنفرانس چنین گزارش داده اند: در سال ۲۵۳۰ (یعنی ۱۳۵۰) اجاره بهای مسکن ۱۵ تا ۲۵ درصد درآمد و جمع هزینه های زندگی کارگران را تشکیل میداد. در حالیکه شاخص های بانک ملی در پنج سال

ارزیابی ها و گواهی ها

بود و با سرعتی شگرف که در تاریخ جهان ن از ذخیره عظیم ملل خود نیروی کرد آورده دیگر در ترازوی جهان کسی نمیتوانست آنز بگیرد. سازندگان این های بنوادانی این سنا عظیم که بزرگترین بناهای فرزند آدمی بود احترام و اعجاب همه جهانیان را جلب کرده: (سید نفیسی - زندگی و کار و مکسیم گورکی، تهران ۳۵ صفحات ۳ - ۴)

دبار سفر بستم و در اکتبر ۱۹۱۶ چ پیش از شروع انقلاب به روسیه رفتم و در پط آنروز و لنینگراد امروز اقامت کردم تا بوسیله دنباله سفر را بگیرم و راه بریانهی دور را آغاز اما وجود زیر ذیباتهای آلمان در آبهای ساحلی مانع از این سفر شد و در همین هنگام بود که: انقلاب آغاز شد و شورش بزرگ همه جانیه ای در ... من از نزدیک لنین را دیدم و در سخنرانیهای او حاضر بودم. در آنوقت من زبان روسی را تکلم میکردم و حرفهای لنین را خیلی خوب میفهم نمیتوانید بفر کنید روزیکه لنین در بالکن بنهای کارگری شهر پتروگراد اعلامیه خواند و من در پائین این پیچره ایستاده بودم. تحت تأثیر و زیر نفوذ کار شگرف او قرار میدادید در آنروز عظیم لنین چه گفت؟ او در جملات نطق انقلابی خودش الفانی قرارداد تقسیم بین روس وانگلیس، چشم پوشی از همه مزایا و مایالی دولت تزاری در ایران، الفانی کاپیتولاسیون نقطه نظر دولت تازه شوروی اعلام کرد. کلمه برای من که در آن پائین ایستاده بودم در ح شدن درجه ای بسوی آزادی، بسوی نجات ملت بود. (از خاطرات سید ضیاء الدین طباطبائی - تهران معصوم - مورخ اسفند ۴۳)

«بالاخره لنین اعلام نمود که عهدنامه روس و انگلیس را پاره کردم و کلیه امتیازات جابر تزاری در ایران منفی است. این تظاهرات هیجانی در افکار عمومی ایران کرد و مردم فرق شدند و به یکدیگر تبریک میگفتند.» (دکتر متین دفتری - خاطراتی از عنوان جوانی، سالنامه دنیا - سال ۱۳۴۰ - صفحه ۶)

«یک عامل خیلی بزرگ و بسیار مهم که در آزادی سیاسی داخلی مؤثر بود، بلکه در خارجی و بقای استقلال ایران مؤثر ترین عامل و ترین سبب بود. ... انقلاب بزرگ روسیه بود در ۱۳۳۵ (۱۹۱۷ مسیحی) که در موقع خود نسبت ایران نعمت عظمی و در واقع یک موهبت الهی بود مملکت که از آن راه کرامت شده ... آنرا و سرنگون شدن رژیم امپراتوری برای ایران بزرگ واقعه تاریخی ۱۵۰ سال اخیر بود و هیچ شک نیست که اگر در پایان جنگ اول جهانی آن انقلاب نیامده بود امروز نه از ایران و نه از ترکیه اثری نداشت و یکباره بکام ازدهار رفته بودند ... آنرا در حکم باز کردن طباب از گلولی یک مصلوبه آخرین نفس بود.» (سید حسن تقی زاده «تاریخ اوایل انا مشروطیت ایران، تهران - ۱۳۳۸ - صفحات ۶۷ - ۶۶)

گذشته نشان میدهد که نرخ مسکن و اجاره و خشکانی افزایش پیدا کرده و امروز این رقم بالای پنججاه درصد درآمد او را دربر میگیرد، نتیجه گیری بدون هیچ توضیح اضافی گویایی شدید زندگی بر خانواده های کارگری بخفا، خانواده های پر اولاد است. بیکار طبقه ای درمیان ما ایران پیوسته دامنه میگردد. رژیم که نماینده سرمایه داری بزرگ غار و نارس است به امپریالیسم است میکوشد زنجیر و اسارت توده های زحمتکش را سنگین تر کند. طبقه کارگر چند نسلهایی ایران هم دیگر از ن کاهی برای مقابله با توطئه های رژیم برخوردار است بویژه اگر این نیرو با آگاهی طبقاتی ترکیب ناقوس مرگ رژیم طنین خواهد افکند. ک. پورآذر